

والیبال در دل مردم جادارد

شادی که ورزش به خاطر مدال یا پیروزی‌ها به جامعه می‌دهد باعث گسترش مهربانی می‌شود و در نهایت جامعه‌ای مهربان می‌سازد. ورزش مأموریت دارد تا یک جامعه را به شادی، مهربانی و همبستگی برساند. این کار تنها در سایه پیشرفت، پیروزی، تلاش و جنگندگی تیم‌های ورزشی به دست می‌آید. والیبال یکی از ورزش‌های خانوادگی است که از قدیم و حتی قبل از اینکه به شکل و شمایل امروز در دنیا باشد، خیلی از خانواده‌ها به صورت تفریحی در پارک‌ها و حتی سفرها بازی می‌کردند.

والیبال ایران با شروع دوره ریاست مرحوم یزدانی خرم در آسیا مطرح شد و در دوره ریاست داورزنی همزمان با آسیا بین غول‌های بزرگ دنیا جا باز کرد. اگرچه نتایج ۱۵-۱۰ ساله اخیر والیبال شادی را به مردم هدی می‌کند اما دوره‌ای که تیم ملی والیبال چهارسال جزو تیم‌های برتر آسیا بود، کمتر به آن توجه شد. سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ که دو مدال پیاپی درباری‌های آسیایی و قهرمانی آسیا گرفت، کم کم نگاه‌ها به آن جلب شد و حتی بخش خصوصی تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در آن پیدا کرد و این نسل به قله‌های والیبال رسید، البته نه به تاپ‌ترین شکل آن، اما جایگاه خوبی گرفت.

این نسل حتی به نوعی با فوتبال هم رقابت می‌کرد. والیبالیست‌ها با انگیزه‌ای مضاعف نشان دادند می‌توانند جزو بهترین‌های دنیا باشند و در سایه تلاش زیاد با حمایت قوی مردم در مسابقات به میزبانی ایران نتایج خارق العاده‌ای رقم زدند. شاید اگر ایران آن زمان میزبان قهرمانی آسیا و لیگ جهانی نمی‌شد، تنها تماشای مسابقات از تلویزیون شرایط پیشرفت و محبوبیت والیبال را فراهم نمی‌کرد. اما میزبانی رقابت‌ها مردم را به سالن کشاند تا هم حس و حال مسابقات را ببینند و هم تیم را حمایت کنند و همین والیبال و مردم را به هم نزدیک تر کرد.

بازیکنان با انرژی‌ای که از هواداران می‌گرفتند و تلاش بیشتر تیم‌های بزرگی مثل لهستان، برزیل را شکست دادند. حتی وقتی توقع از تیم بالا رفت و همه می‌خواستند تیم همیشه برنده باشد بازیکنان مسئولیت را متوجه شدند و در بازی‌ها تلاش و جنگندگی مضاعفی داشتند و به همین خاطر چه می‌بردند و چه می‌باختند در دل مردم جا داشتند. آنها در دسترس مردم بودند و هواداران خیلی راحت می‌توانستند موقع تمرین به سالن بیایند و آنها را از نزدیک ببینند و حتی با آنها صحبت کنند.

این احساس نزدیکی، علاقه و رضایت بازیکنان را در دل مردم بیشتر جا کرد و هواداران را شادتر. نزدیکی بین والیبال و مردم باعث شده تا والیبال به جای فوتبال با پیروزی‌هایش مردم را شاد کند. نکته دیگر اینکه والیبال می‌خواست جزو تاپ‌ترین ورزش‌های ایران باشد و این فعل خواستن خیلی مهم بود که در برنامه‌ریزی، مدیریت، پشتیبانی و حتی تلاش بازیکنان به چشم آمد.

نگاه ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با ورزش به والیبال فرق کرد اما کافی نبود. والیبال نیاز به حمایت بیشتری داشته و دارد، چه بسا اگر حمایت‌ها جدی‌تر و بیشتر بود والیبال بعد از المپیک ۲۰۱۶ ریو می‌توانست حداقل یک مدال جهانی بگیرد. این نگاه همچنان به خاطر صنعتی بودن فوتبال به آن هست و هنوز بقیه ورزش‌ها منتفع نمی‌شوند. خیلی از تیم‌های فوتبالی بودجه دولتی دارند اما بقیه رشته‌ها نه. ارگان‌های دولتی که بودجه‌های چندصد میلیاردری در فوتبال هزینه می‌کنند هنوز مجاب به هزینه در والیبال نشده‌اند.

خشونت هنوز با والیبال عجین نشده است

فوتبال لیبرال‌ترین ورزش است

با دکترمجد خاتونی مدیر انجمن جامعه و ورزش و فرهنگ ایران، صحبت کردیم. او درباره دلایل چرایی نقش آفرینی والیبال و به جای فوتبال برای دادن شادی و نشاط به مردم ایران گفت.

به طور کلی تفاوت‌های این دو رشته را در ایران می‌توانیم از منظر هستی‌شناسی، وجهه صنعتی و تجاری، تاریخچه اجتماعی و مدیریت اصولی مورد بحث و واگوری قرار دهیم. فوتبال یکی از لیبرال‌ترین رشته‌های ورزشی ابداع شده دنیای مدرن است.

فوتبال مثل زندگی

از طرفی دیگر یک مسابقه فوتبال خیلی به زندگی انسان‌ها شباهت دارد و حیات فردی و اجتماعی انسان را تداعی می‌کند؛ غم، شادی، پیروزی، تلاش، ناامیدی و امید در آن به چشم می‌آید. درست مانند لحظات مختلف زندگی انسان‌ها که آمیخته با این احساسات است. در حالی که والیبال ورزشی بسته‌تر و پیش‌بینی پذیرتر است و به نسبت فوتبال صحنه‌های آن کمتر زندگی انسان‌ها را تداعی می‌کند. در این ورزش به دلیل محدودیت‌های محیطی و فنی، رفتار ورزشکاران خیلی پیچیده نیست و اغلب مشخص است.

فوتبال پدیده‌ای چند وجهی

از طرف دیگر دلایل اقتصادی را باید مدنظر قرار داد. فوتبال پیشرفته امروز با گردش مالی عظیمی که دارد، خود را از میدان ورزش جدا شده و با سایر صنایع رقابت می‌کند. فوتبال با پیوند تنگاتنگ با رسانه به یک پدیده چند وجهی تبدیل شده و حتی با دیگر صنایع تعامل، اشتراکات و همکاری زیادی پیدا کرده مانند صنعت سرگرمی، فیلم و مد و... امروز کارکردها



محمود افشاردوست
دبیر اسبق فدراسیون والیبال

پرونده

مهری زنجیر

خبرنگار

پیروزی همیشه، بویژه وقتی برنده تیم ملی باشد، حس غرور و شادی بی نظیری دارد؛ به‌خصوص اگر این پیروزی در فوتبال رقم خورده باشد. فوتبال اما حکایت دیگری دارد؛ باختش زهر تلخ است و بردش شهادت شیرین.

شاید آخرین نمونه یارز آن، جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بود که پس از شکست ۲-۰

تیم ملی مقابل انگلیس، دل مردم ایران شکست و خیلی‌ها اشک ریختند. اما با پیروزی بعدی تیم ملی برابر ولز با نتیجه ۲-۰ صفر، همه چیز تغییر کرد. هواداران ایرانی در ورزشگاه احمد بن علی الریان از شادی سر از پا نمی‌شناختند و در خیابان‌های ایران، مردم ساعت‌ها به جشن و پایکوبی پرداختند، شیرینی پخش کردند و بوق ماشین‌ها را به صدا درآوردند؛ پردی که گویی پال پرواز همه، از زن و مرد تا پیر و جوان شده بود.

والیبال هم در سال‌های اخیر به اندازه فوتبال، اکسیر شادی‌بخش مردم ایران شده است؛ از زمانی که خلیو ولاسکو به

«ایران» بررسی می‌کند؛ تفاوت عملکرد والیبال و فوتبال در ایجاد نشاط اجتماعی

رسوخ دلالیسم در فوتبال؛ والیبال در آغوش مردم

عنوان سرمربی تیم ملی روی کار آمد و در سال ۲۰۱۱، پس از سال‌ها، ایران را بر قله افتخار قاره کهن نشاناد. آن مسابقه تاریخی در سالن ۱۲هزار نفری آزادی برگزار شد؛ سالی که با حضور پرشور هواداران، جای سوزن انداختن نداشت. هر بار که اسکوربرد امتیازی را به نام ایران ثبت می‌کرد، سالن با صدای «ایران، ایران» هواداران به لرزه در می‌آمد. اشک شوق در چشمان تماشاگران می‌درخشید و لبخند بر لب‌هایشان نقش می‌بست. پس از آن، وقتی تیم ملی والیبال در جام جهانی ۲۰۱۱ تیم‌ها بزرگ لهستان و صربستان را شکست داد، شور و شوقی بی‌نظیر در دل مردم ایران ایجاد شد.

اگرچه مردم هرگز به اندازه فوتبال برای پیروزی‌های والیبال به خیابان‌ها نریختند و بوق ماشین‌ها را به صدا درنیاوردند، اما شادی‌شان قلبی و عمیق بود. با صعود تیم ملی والیبال ایران به لیگ جهانی در سال ۲۰۱۳ (که بعدها به لیگ ملت‌ها تغییر نام داد)، حتی در بازی‌هایی که نیمه‌شب برگزار می‌شد، هواداران بیدار می‌ماندند و پای تلویزیون می‌نشستند. این علاقه و شور به حدی رسید که بسیاری از کارشناسان ورزشی و حتی جامعه‌شناسان بر این باورند که حالا والیبال، به جای فوتبال، به نماد ایجاد نشاط و امید در جامعه ایران تبدیل شده است.



FOOTBALL



ریشه فوتبال
پولی یا
دلال محور
در این است
که از مردم
فاصله گرفته
است. قبلاً
فوتبال
ورزشی
متعلق به
همه افشار
جامعه بود
و اغلب قشر
کم بضاعت
را نمایندگی
می‌کرد،
اما امروزه
آنها را کنار
می‌گذارد

ارزش افزوده‌ای را به والیبال اضافه کرد، کی‌روش هم باتوجه به زمان نسبتاً زیاد حضورش در ایران، به فوتبال اضافه می‌کرد حالا شرایط فوتبال ملی ما فرق می‌کرد.

دلالیسم سیاه

فوتبال دارای دیوارهای کریستالی است که رسانه‌ها و علاقه‌مندان به ورزش جریان‌ها و اخبار درون آن را رصد می‌کنند. فساد جزء بزرگترین عوامل و موانع پیشرفت جوامع است. هر چقدر فساد بیشتر شود، میزان پیشرفت و توسعه هم کم می‌شود. یکی از عواملی که فوتبال ایران نتوانست در مسیر توسعه با شتاب مناسب حرکت کند، وجود دلالیسم، آن هم از نوع سیاه است. دلالیسم سیاه جریان‌ی شبکه‌ای است که با کمترین نظارت و برخورد برادره و روند پیشرفت فوتبال تأثیرگذار است و حتی در مواقعی تصویر تیره و کدری از فوتبال را در اذهان مردم به جا می‌گذارد.

فرهنگ، مکمل ورزش حرفه‌ای

خشونت و بداخلاقی در ورزش تأثیر زیادی بر اعتبار برند، خشوندساز مخاطبان و حامی‌پروری آن دارد. امروز احترام و رعایت کدهای اخلاقی در ورزش یک اصل و تکلیف همگانی است.

اما این بخش در ورزش ما شدت آسیب دیده است. در حالی که فرهنگ مکمل ورزش حرفه‌ای است، اما از آن غافل بوده‌ایم و یا خیلی ساده به آن نگاه کرده‌ایم.

هشدار به والیبال

خشونت هنوز با والیبال عجین نشده، شاید به ندرت و به صورت مودی آن را ببینیم. البته اگر در سایر رشته‌ها از جمله والیبال مدیریت فرهنگی را به شیوه اصولی و تخصصی اعمال نکنیم، بعید نیست خشونت هم در والیبال حاد شود.

والیبال از مرز قناعت عبور کرده است

استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو کمیسیون روانشناسی ورزشی کمیته ملی المپیک، دومین نفری بود که درباره این پرونده با او صحبت کردیم.



دکتر علیرضا فارسی
رئیس دانشکده علوم ورزشی و تندرستی

موفقیت‌های والیبال به مردم غرور می‌دهد. فوتبال نه
این موضوع را از دو منظر می‌توان بررسی کرد؛ اول اینکه سطح موفقیت والیبال جهانی است و این موفقیت‌ها غرور ملی ایجاد می‌کند، والیبال با تیم‌های برتر جهان رقابت می‌کند و بین هشت تیم برتر دنیاست و همین مساله افتخار و حس شادی و غرور به مردم می‌دهد. برخلاف ورزش فوتبال یا ورزش‌هایی که موفقیت‌های مقطعی و اتفاقی دارند.

تفاوت سطح زندگی محبوبیت را کم می‌کند

جنبه دوم؛ جنبه اجتماعی، اقتصادی است. پروض است که وقتی یک ورزشکار سطح زندگی، درآمد و سبک زندگی‌اش فاصله و تفاوت زیادی با مردم دارد، این فاصله در ارتباط فیزیکی، احساسی و عاطفی نیز نمایانگر می‌شود. در حالی که قبلاً فوتبالیست‌ها با زندگی در جنوب شهر، مناطق کم برخوردار و شهرهای مختلف، شرایط زندگی شبیه عامه مردم داشتند. امروزه اغلب هواداران دواتشه فوتبال در ورزشگاه‌ها از نظر اقتصادی سطح بالایی ندارند و به همین دلیل فوتبالیستی که به عنوان مثال ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دستمزد سالانه می‌گیرد، با خانه اعیانی و ماشین لوکس، دیگر شبیه مردم نیست و بنابراین بین او با مردم فاصله می‌افتد. در واقع نه فوتبالیست‌ها خودشان را از مردم می‌دانند و نه مردم آنها را از خودشان. این شکاف ممکن است از محبوب ورزشکاران کم کند.

نگاه کی‌روش با ولاسکو فرق داشت

مربیان خیلی تأثیرگذار هستند. کارلوس کی‌روش هم مربی بزرگ و صاحب سبکی بود اما تفاوت اساسی این بود که نگاه کی‌روش به فوتبال ایران و اجتماع، با نگاه ولاسکو فرق داشت.

نخوه آمدن غیرشفاف و سؤال برانگیز کی‌روش، مبلغ غیرشفاف و محرمانه قرارداد، نحوه تعاملش با فدراسیون، بی‌اعتنایی به مربیان و پیشکسوتان محبوب فوتبال کشورمان و بعضاً نگاه از بالا به پایین او به جامعه فوتبال و مسئولان اساساً مورد پسند جامعه ورزش نبود. در حالی که ولاسکو در ورزش ایران، فرهنگ و مردم ایران حل شد و به پشتوانه همین رفتارها در دل مردم جای گرفت.

کی‌روش فاجعه‌آفرین شد

موضوع دوم به نخواستن و کم کاری کی‌روش برمی‌گردد. بعضی مواقع یک مربی مثل پپ گواردیولا در بارسلونا فلسفه‌ای پیاده می‌کند که تیم ملی اسپانیا از آن الگو می‌گیرد و سال‌ها باشگاه‌ها و تیم ملی اسپانیا از آن نفع می‌برند.

یا حتی زمانی که او به بایرن مونیخ آلمان می‌رود، شکل و سبک بازی فوتبال آلمان با رویکرد این مربی تغییر پیدا می‌کند. اما کی‌روش نمی‌خواست کار ریشه‌ای کند که اگر می‌خواست، می‌توانست موفق می‌شد. این را هم باید در نظر داشت که کی‌روش هم باهوش بود هم کمال‌گرا، او هم به مسئولان ورزش ما نگاه می‌کرد که آنها چه می‌دانند و از او چه می‌خواهند. او یا نمی‌خواست یا منطبق با سطح خواسته‌های فدراسیون کار کرد. در زمان او، آن فاجعه در جام جهانی ۲۰۲۲ با باخت سنگین به انگلیس و واکنش قهرآمیز هواداران اتفاق افتاد. فاجعه‌ای که در تاریخ فوتبال و ورزش ما بی‌سابقه بود و امیدوارم دیگر تکرار نشود.

فوتبال دلال محور از مردم فاصله می‌گیرد

این مساله به موضوعات فرهنگی در ورزش ما برمی‌گردد. موضوعاتی که مباحث عمیقی را شامل می‌شود که باید در ساختار کلان ورزش یعنی وزارت ورزش بررسی و رسیدگی شود. ریشه فوتبال پولی یا دلال محور در این است که از مردم فاصله گرفته است. قبلاً فوتبال ورزشی متعلق به همه افشار جامعه بود و اغلب قشر کم بضاعت را نمایندگی می‌کرد، اما امروزه آنها را کنار می‌گذارد. به عنوان مثال در یک تیم راجح شده که از بین حدود ۲۵ بازیکن یک تیم، نصف آنها باید پول دهند تا از این طریق هزینه‌های یک باشگاه یا تیم را تأمین کنند.

تکیه بر درآمدزایی؛ نابودگر استعدادها

وقتی شرط و تکیه درآمدزایی یک تیم، خانواده‌های متمول باشد، استعدادهای ناب کنار گذاشته می‌شوند و بازیکنان مستعد با دیدن این رفتارها طرد و منزوی می‌شوند و به مرور انگیزه‌اش برای حضور در ورزش از بین می‌رود و به جای فوتبال در دام آسیب‌های اجتماعی می‌افتد.

والیبال از مرز قناعت عبور کرده

قطعاً تمایل و علاقه عمومی نسبت به والیبال روند افزایشی داشته است. والیبال در سطح جهانی حضور دارد، اما فوتبال همچنان به دنبال این است تا به جام جهانی صعود کند. والیبال از این مرحله و حتی از مرز قناعت عبور کرده و طرفداران والیبال حضور در جمع هشت تیم اول دنیا را کافی نمی‌دانند.

زندگی تجملاتی والیبال را از مردم دور می‌کند

اما اشک نکند اگر والیبالیست‌ها هم از مردم فاصله بگیرند و غرق در پول و سبک زندگی تجملاتی شوند و خودشان را از جنس مردم ندانند و در حوادث کنار مردم نباشد، این اتفاق هم برای والیبال تکرار می‌شود. اگر مردم در هنگام مسابقات والیبال شادی می‌کنند، در واقع طبیعی و برای خودش شادی می‌کنند، اما در فوتبال حتی با یک باخت یا نرزدن پناالتی عهده‌های فروخورده طرفداران سر برآ می‌کند و حتی به رفتار پرخاشگرانه و فحاشی منجر می‌شود. اما در والیبال در مواقعی دیده شده که اگر بازیکنان اشتباه هم نکنند، آنها را تشویق می‌کنند.